

بررسی علل توحید مصاحف در عصر عثمان

داود سلیمانی

دانشگاه تهران، دانشکده الهیات

چکیده:

با دقت در آراء و نظریات علماء علوم قرآنی، این نظریه که علت اساسی توحید مصاحف در عصر عثمان، اختلاف قراآت رایج در عهد وی بوده است، بیش از هر مطلبی به چشم می خورد. به عقیده نگارنده با رجوع به مصادیق ذکر شده در اختلاف قراآت - که در منابع به فراوانی از آن یساده شده - و با توجه به تعاریف مصطلح قرائت و قراآت، می توان نظریه رایج را، قابل نقد و بررسی دانست؛ بنابراین باید ریشه های اختلاف قراآت را بار دیگر مورد بررسی قرار داد و عوامل اساسی اختلاف را از عوامل فرعی باز شناخت، و سپس با تطبیق مفهوم و معنای قرائت بر عوامل مذکور، دریافت که آیا می توان آن عوامل را مصادقی از اختلاف در قرائت دانست تا موجبی برای توحید مصاحف باشد یا نه؟

کلیدواژه ها: مصحف، قرائت، اختلاف قراآت، توحید

مقدمه:

در باره علل توحید مصاحف در عصر عثمان از قدیم الایام دانشمندان و مورخین اسلامی مطالب و مباحث گوناگون و مفیدی مطرح نموده اند،

عوامل مؤثر در اختلاف قراآت

برای اختلاف قراآت عوامل متعددی ذکر کرده‌اند که مهمترین آنها اختلاف مصاحف ، اختلاف لهجه ، ابتدایی بودن خط و اختلاف نقل و روایت است . ولی باید گفت وزن هریک از عوامل مذکور در اختلاف قراآت یکسان نیست ، بنابراین ما به تناسب اهمیتی که هریک از این عوامل در این اختلاف دارند ، به توضیح آنها می‌پردازیم :

۱. اختلاف مصاحف

مصاحف نیز از نظر " ترتیب سوره‌ها در مصحف " ، و یا از نظر " تعداد سوره‌ها " ، و بالاخص در " ضبط حروف و کلمات قرآنی " و اختلاف در " تقدیم و تأخیر کلمه در آیه " ، با هم متفاوت بوده‌اند که ذیلاً توضیح هریک از آنها می‌آید :

الف - اختلاف از نظر ترتیب سوره‌ها در مصحف

می‌دانیم که بعضی از صحابه مصاحفی مخصوص به خود داشتند و در آن سوره‌ها را براساس ذوق و سلیقه خویش ترتیب می‌دادند لذا مصاحف از نظر ترتیب سور با یکدیگر یکسان نبودند . چنانکه مصحف علی‌ابن ابی‌طالب (ع) ترتیبی خاص داشت و دیگر صحابه نیز مانند عبدالله بن مسعود و یا ابی‌بن‌کعب و هریک مصحفی با ترتیب خاص خود داشتند که مصحف آنان را از سایر مصاحف جدا می‌کرد (زنجانی ، ۶۹ - ۷۸) ، این تفاوت چندان باعث اختلاف قراآت نبوده است ، و لذا در این مقاله نیز مورد بحث ما نیست .

ب - اختلاف از نظر تعداد سوره‌ها

می‌دانیم که در عدد سوره‌های قرآن اختلاف رأی وجود داشته است . چنانکه گویند مصحف ابی‌بن‌کعب ۱۱۶ سوره داشت و مصاحف دیگر از ۱۱۲ تا ۱۱۴ متفاوت بودند (همانجا) . هر چند این امر کم و بیش مورد بحث و جدال بوده است ولی موجبی برای اختلاف قرائت نبوده است اما می‌تواند موجبی برای اختلافاتی که منجر به تکفیر بعضی از صحابه نسبت به یکدیگر گردید ، باشد . ما در اینجا به این دلیل که این امر نمی‌تواند مبنایی محکم برای اختلاف قراآت باشد ، بدان نمی‌پردازیم .

ج - اختلاف در ضبط حروف و کلمات قرآنی

۱- ج. اختلاف در ضبط حروف: این اختلاف گاه مربوط به زیادت حرف و یا حروفی

در نگارش، و یا عدم نگارش آن بود، مانند: قرائت "جاؤوا بالبیّنات و بالزُّبُر" (آل عمران / ۱۸۴) که تنها ابن عامر آن را به همین شکل قرائت کرده، و در مصحف های شام همینطور بوده است اما باقی قراء، این آیه را بدون "باء" دوم قرائت می کردند، (طبرسی، ۵۴۸ / ۲) یعنی "جاؤوا بالبیّنات و الزُّبُر".

همچنین (نافع و ابن عامر) آیه کریمه "و سارعوا الی مغفرة من ربکم" (آل عمران / ۱۳۳) را بدون واو قرائت می کردند، به این دلیل که مصحف آنان فاقد حرف "واو" بوده است. و بقیه قراء، با واو قرائت کرده اند برای اینکه این آیه در مصحف آنان با "واو" ضبط شده بود. (طبرسی، ۵۰۳ / ۲).

۲-ج. اختلاف در ضبط کلمات: این اختلاف نیز گاه مربوط به "زیادت کلمه ای" بود، و گاه "نگارش غلط"، و گاه "تغییر کامل (و تمامی) لفظ":

۲-۱-ج. زیادت کلمه: یعنی کلمه ای جزء آیه نبوده و احیاناً شرح لغت و یا تفسیری برای آیه بوده و بر کلمات آیات اضافه شده است مانند قرائت منسوب به ابن مسعود و ابی بن کعب و جز آن دو - که مشتمل بر زیادات تفسیری بوده مانند "کان الناس امةً واحدة [فاختلفوا] فبعث الله النبیین" (بقره / ۲۱۳) که برخی از قراء متأخر، کلمه "فاختلفوا" را که به منظور توضیح به کار رفته بوده جزء آیه تلقی کرده اند و معتقد شده اند که قرائت خاصی است. چنانکه بعضی می گویند ابن عباس آیه "لیس علیکم جناح ان تبغوا فضلاً من ربکم" (بقره / ۱۹۸) را "لیس علیکم جناح [فی مواسم الحج] ان تبغوا فضلاً من ربکم" قرائت کرده است، (زمخشری، ۲۴۵ / ۱) و مانند آنچه زرقانی در مناهل ذکر کرده "و کان وراءهم ملکٌ یاخذ کل سفینة [صالحة] غصباً" به زیادت کلمه "صالحة". (زرقانی، ۲۵۷ / ۱).

آنچه در اینجا ذکر شد بیانگر این است که در میان قراءت رایج آن روز کلماتی در قرآن راه یافته بود که اصلاً آن کلمات قرآنی نبوده و احتمالاً به دلیل تسامح بعضی صحابه و یا روایات نادرست به عنوان قرائت پذیرفته شده بود، حال آنکه اساساً این نوع زیادات راه را برای تحریف باز می کرد و این خطری اساسی بود که کتاب قرآن را تهدید می کرد. زرقانی هنگامی که مزایای قرآن عثمان را برمی شمرد، یکی از آن مزایا را اینگونه ذکر می کند:

"و تجریدها من کل مالیس قرآناً کالذی کان یکتبُهُ بعض الصحابة فی مصاحفهم

الخاصة شرحاً لمعنى ، أوياناً لناسخ ومنسوخ، أو نحو ذلك" . (همو ، ۱ / ۲۶۱) . يعنى از مزايای مصاحف عثمان عارى ساختن آن از هر عنصرى غير قرآنى بود مانند آنچه بعضى از صحابه در مصاحف خاص خودشان شرحى براى معنى لغت و يا توضيحى براى ناسخ يا منسوخ و مثل آن مى نوشتند .

۲-۲-ج. تبارش غلط كلمه : گفته اند " وقتى كسى در محضر امام على (ع) خواند : " و طلح منضود " (واقعه / ۲۹) با خود گفت : به چه مناسبت طلح ، بايد آن " طلح " باشد . مثل " ونخل طلعتها هضميم " (شعرا / ۱۴۸) به حضرت گفته شد : آيا آن را تغيير نمى دهى ؟ امام فرمود : " از امروز هيچ تغييرى در قرآن داده نمى شود " . (طبرسى ، ۹ / ۲۱۸) . و يا عبدالله بن هانى بربرى (غلام عثمان) نقل مى كند :

" من پيش عثمان بودم و مى ديدم كه نسخه هاى مختلف مصحفها را با يكديگر مقابله مى كردند . عثمان استخوان كتف گوسفندى را به من داد كه در آن اين كلمات نوشته شده بود : " لم يتسنّ " و " لا تبديل للخلق الله " و " فامهل الكافرين " من آن را نزد ابى بن كعب بردم و او آنها را به اين نحو تصحيح كرد : " لم يتسنه " و " لا تبديل لخلق الله " و " فمهّل الكافرين " . (سيوطى ، الاتقان ، ۱ / ۱۸۳) .

۲-۳-ج. تغيير كامل لفظ : اين خود به دو شكل بود يا اين تغيير به معنای لفظ لطمه نمى زد (مانند استفاده از مترادفات) ؛ يا هم لفظ و هم معنا تغيير مى يافت .

۲-۳-۱-ج. استفاده از مترادفات : تغيير در لفظ و ثبوت معنا ، در موارد متعددى رايج

بوده است از جمله :

در " ان كانت الإصیحة واحدة (يس / ۲۹ ، ۴۹ ؛ ص / ۱۵) كه خوانده مى شد [الإزقيہ] واحدة و [كالصوف] المنفوش به جای كالعهن المنفوش " . (قارعة / ۵) . اين قول راصاحب تفسير تبیان نیز ذیل " اختلاف در كلمه اى كه صورت آن تغيير مى كند و معنای آن تغيير نمى كند " ذكر کرده است . (نك: طوسى ، ۱ / ۸) . و مانند قرائت " وَصَى " به تشديد و تضعيف صاد ، و " أوصى " از باب افعال كه هر دو وجه آن در آیه " وَصَى بِهَا ابراهيمُ بنيه و يعقوب " (بقره / ۱۳۲) قرائت مى شد (زرقانى ، ۱ / ۲۵۸) .

ابن قتيبه نیز ضمن بررسى وجوه اختلاف قرائتها ، هفت نوع را نام مى برد ، كه يكى از اين اشكال را چنين ذكر مى كند : " اختلاف در شكل كلمه به نحوى كه شكل و صورت كلمه در كتاب تغيير مى كند ولى در معنى تغييرى نمى دهد مانند : " ان كانت الإصیحة واحدة "

(یس / ۲۹) که ابن مسعود آن را "إن كانت [الأزقية] واحدة" خوانده است "و نیز مانند: " كالعهن المنفوش " (قارعه / ۵) که ابن مسعود، آن را " [كالصوف] المنفوش " قرائت کرده است " (زمخشری، ۲ / ۲۵۱، ۵۸۸).

۲-۳-۲. ج. استفاده از کلمه ای به جای کلمه دیگر: در اینجا مراد استفاده از کلمه ای به جای کلمه وحی شده است که معانی دیگری را افاده کند. زرقانی در مناهل العرفان می گوید " صحابه " در مصحفی که به دستور عثمان می نگاشتند کلمه و حرفی از آن را کتابت نمی کردند مگر قرآن بودن آن محقق بود و می دانستند که در آخرین عرضه به رسول خدا صحتش اثبات شده است و غیر آن را ترک می کردند مانند قرائت: " فامضوا إلى ذكر الله " به جای " فاسعوا إلى ذكر الله ". (زرقانی، ۱ / ۲۵۷).

و نیز از ابن عباس روایت شده که او در آیه " وقضى ربك ان لا تعبدوا الا اياه " (اسراء / ۳۱) به جای " وقضى " و وصی ... " قرائت می کرد و می گفت: آیه در اصل به این نحو بوده ولی بر اثر الصاق او دوم به صاد، مردم آن را " وقضى ... " خوانده اند، اگر قضی نازل شده بود احدی شرک نمی ورزید ". (سیوطی، الاتقان، ۱ / ۱۸۰، به نقل از: معرفت؛ ۲ / ۱۱).

و ابن اشته گوید: نویسنده از مرکب زیاد استفاده نموده و در نتیجه او به صاد پیوسته است. (سیوطی، همانجا، الدر المنثور، ۴ / ۱۷۰، به نقل از: همانجا). و نیز از او (ابن عباس) روایت شده که وی آیه ۳۱ از سوره رعد را به این نحو می خوانده است " افلم يتبين الذين آمنوا "، به او گفتند: در مصحف: " افلم يتأس ... " آمده است ولی او پاسخ داد: گمان می کنیم که نویسنده درست متوجه نشده بود. (سیوطی، الاتقان، ۱ / ۱۸۵، طبری، تفسیر، ۱۳ / ۱۰۴، به نقل از: همانجا).

یزید نخعی می گفت: " دو گروه در باره آیه ای از سوره بقره اختلاف داشتند، یکی می گفت: " واتموا الحج والعمرة للبيت " و دیگری می گفت: " واتموا الحج والعمرة لله ". حدیفه سخت ناراحت و چشمان او سرخ شد، گریبان چاک داد و گفت: همین اختلافات قبل از شما نیز وجود داشته، و مراجعه به عثمان را مطرح کرد " (معرفت، ۱ / ۳۳۳).

د- اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمه در آیه

نظیر اختلاف قرائت در " وجاءت سكرة الموت بالحق " که به جای آن " وجاءت سكرة الحق بالموت " نیز ذکر شده، و مانند " فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا " که

فَيَقْتُلُونَ وَيَقْتُلُونَ " هم خوانده شده است (طوسی ، ۹ / ۱ ؛ زرقانی ، ۱ / ۱۷۱ - ۱۷۰) .
این امور چهارگانه که ما ذیل " اختلاف مصاحف " از آن یاد کردیم هریک به نحوی باعث اختلاف صحابه در قرائت می‌گردید . ولی غیر از " اختلاف مصاحف " عوامل دیگری نیز به این اختلاف دامن می‌زد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم :

۲. عامل اختلاف لهجه

اختلاف در قرائت گاه ناشی از ادای کلمه‌ایست که تحت تأثیر لهجات گوناگون قرار گرفته و متفاوت از ضبط اصلی آن ادا می‌گردد . بعنوان مثال برخی " نستعین " را به فتح نون و بعضی به کسر نون می‌خوانده‌اند ، فراء می‌گوید : این نون ، در زبان قیس و اسد ، مفتوح است و دیگران آنرا به کسره می‌خواندند ، و نیز برخی " مَعَكُمْ " را به فتح عین و بعضی به سکون عین خوانده‌اند (سیویه ، ۲۰ / ۲۵۷ به نقل از : معرفت ، ۲ / ۱۷) .

۳. عامل ابتدایی بودن خط

خط در صدر اول یعنی تا اواخر قرن اول (تا سال ۸۲ هـ) از نقطه و اعراب خالی بود و صحف موجود بدون نقطه و اعراب نگارش می‌یافت و این خود در قرائت تأثیر می‌گذاشت چنانکه اگر کسی عالم به روایت و نقل درست آن نبود چه بسا به دلیل تشابهی که مثلاً بین " تاآت " و " یاآت " در نوشتار وجود داشت و یا " را " و " زا " و سایر حروف که یکسان نگاهته می‌شد به اشتباه می‌افتاد و مغایب را مخاطب و " نشرها " را " نشنرها " و " تعلمون " را " یعلمون " و " تُكذِّبُونَ " را " تَكذِّبُونَ " قرائت می‌نمود . (نک : معرفت ، ۲ / ۱۵) .

۴. عامل نقل و روایت

مهمترین عاملی را که می‌توان دلیل اصلی اختلاف قراءات دانست ، اختلاف در نقل و روایت بود این امر اگر چه نافی سایر عوامل ذکر شده نیست ولی از عوامل بسیار مهمی است که در حفظ و صیانت قرآن نقش بسیار مهم و دقیقی داشته است . برای توضیح یادآور می‌شویم :

ملاک نخستین و میزان اساسی " صحت قرائت " ، سند روایی قرائتی است که قرآن کریم نیز بر آن اساس نگاهته شده است ، و ضبط کنونی مصاحف آن را نشان می‌دهد ، و نیز می‌دانیم که عده کثیری از صحابه ، قرائت خود را نه به اتکاء کتابت بلکه باتکاء حفظ نشر داده‌اند ، زیرا اساساً اتکاء قراءت بیش از همه چیز بر حافظه بوده است نه بر کتابت ، و این خود نیاز به استدلال ندارد ، زیرا اولاً خط و کتابت مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرده و به

آن درجه از استحکام و تکامل نرسیده بود تا بتواند نحوه آدای حروف و کلمات را به صورتی که به تلفظ در می آمد، نشان دهد. ثانیاً فرهنگ عامه نیز فرهنگی شفاهی بوده و نه نوشتاری.^(۱)

آنچه ذکر شد عواملی بود که اختلاف در قرائت را به وجود آورد. در اینجا می خواهیم این مسأله را طرح سازیم که میان عوامل ذکر شده، چه عامل و یا عواملی در «توحید مصاحف» نقش بارزتری داشته است و آن را می توان از علل عمده «توحید مصاحف» دانست؟

در پاسخ به این سؤال ذکر «اختلاف قراآت» (نک: زرکشی، ۱/ ۳۰۲ - ۳۰۱) به تنهایی صحیح نیست. در علت «توحید مصاحف» در زمان عثمان گفته اند:

«فتوحات در زمان عثمان گسترش یافت و شهرنشینی توسعه پیدا کرد و مسلمانان در شهرها و بلاد گوناگون پراکندند، و رویداد جدیدی اتفاق افتاد که نیاز به بررسی قرآن را پدید می آورد: و میان مردم و رسول و وحی و تنزیل فاصله زمانی طولانی پدید آمده بود. و هر یک از اهالی هر اقلیم از اقالیم اسلامی قرائت یکی از صحابه را که در میان آنان شهرت داشت فراگرفته بودند، اهل شام قرائت ابی بن کعب، و اهل کوفه قرائت عبدالله بن مسعود، و غیر آنها به قرائت ابو موسی اشعری قرآن را می خواندند. و میان آنها اختلاف در اداء حروف و وجوه قرائت پدید آمده بود، بطوری که باب اختلاف و نزاع در قرائت قرآن گشوده شد، اختلافی مانند آنچه میان صحابه - قبل از آنکه بدانند قرآن بر هفت حرف نازل شده است - اتفاق افتاد حتی این اختلاف شدیدتر از آن بود، و این به دلیل فاصله زمانی اینها با نبوت، و عدم حضور پیامبر در بین آنان، پیامبری که آنها (به هنگام اختلاف) به دستور وی اعتماد می کردند و همگی از رأی او تبعیت می نمودند. از این روی درد خطرناک شد، تا جایی که همدیگر را تکفیر می کردند، و نزدیک بود که فتنه و فساد بزرگی در زمین پدید آید. و این طغیان در حدی متوقف نشد بلکه نزدیک بود که به یک باره تمامی بلاد اسلامی تا حجاز و مدینه و کوچک و بزرگ را در برگیرد.»

«... باید افزود حروف سبعة که قرآن برطبق آنها نازل شد، میان اهل این شهرها

۱. به گفته زرکانی در عصر نزول ... قلوب مردم عرب محل حفظ اناجیل، و عقول آنها محل ثبت انساب و امام، و حافظه آنها جای دیوانهای شعر و مفاخر آنان بود (نک: ۱/ ۲۴۰).

معروف و شناخته شده نبود، و آسان هم نبود که آنان همه آن حروف را بدانند تا در موارد اختلاف آن را ملاک حکم قرار دهند، هر صحابی در سرزمینی که بود فقط با توجه به شناخت حروفی که وی آن را می دانست بر مردم قرائت می کرد، زیرا نزد آنان مصحف جامعی که به هنگام اختلاف و نزاع و شقاق شدید بدان مراجعه نمایند وجود نداشت.

به خاطر این علل، اسباب و رویدادها، عثمان ... چاره در آن دید که باید این شکاف را قبل از اینکه بر دوزنده آن پیشی گیرد، تدارک کند، باید درد را ریشه کن کند قبل از آنکه درمان سخت شود، پس برجستگان صحابه و صاحب نظران از ایشان را گرد هم آورد و علاج این فتنه بین او و ایشان بحث و بررسی شد، و برای آن اختلاف حد و تعریفی نهاد، و ماده این نزاع را از میان برد، پس امرشان بر استنساخ مصاحفی که به شهرها فرستاده شد قرار گرفت، و مردم را به سوزاندن هر چه غیر آن بود فرمان داد، و دستور صادر کرد به غیر آن مصحف به سایر مصاحف اعتماد ننماید ... " (زرکانی، ۲۵۵ / ۱ - ۲۵۷)

همچنین در علت "توحید مصاحف" گفته شده: که "عثمان مردم را به قرائت به وجه واحدی"، و براساس اختیار نمودن قرائتی که او و کسانی که بدان قرائت شهادت دادند - از مهاجرین و انصار - واداشت، و این زمانی بود که از فتنه اختلاف اهل عراق و شام در حروف قراآت قرآن ترسید. " (زرکشی، ۳۰۲ / ۱)

همینطور در علت احراق سایر مصاحف نوشته اند:

"اما اینکه می گویند وی مصاحف را به آتش کشید، این قول ثابتی نیست و اگر هم باشد لازم است که ما آن را حمل کنیم بر اینکه وی مصاحفی را به آتش کشید که در آن مطالبی بود که قرائت آن روا نبوده است. " (همانجا) - دقت کنید.

همچنین داستان "حذیفه" را در تصمیم عثمان مؤثر دانسته اند که وی در بازگشت از جنگ سرزمین ارمنستان، شکوه مربوط به موضوع اختلاف سپاه عراقی و شامی بر سر قرائت قرآن را (و نزاع آنان را که سخت شده و موجب اختلاف گردیده بود) به نزد عثمان برد و گفت "ادرك هذه الامه ..."، "این امت را دریا بپیش از آنکه گرفتار همان اختلافی شوند که یهود و نصاری بدان دچار آمدند! عثمان پرسید موضوع چیست؟ حذیفه گفت: در جنگ سرزمین ارمنستان شرکت داشتم، در آنجا مردم شام، قرآن را به قرائت ابی بن کعب می خواندند که مواردی از آن را مردم عراق نشنیده بودند، و مردم عراق از قرائت ابن

مسعود تبعیت می‌کردند که در مواردی مردم شام از آن بی‌اطلاع بودند، و هر گروه، گروه دیگر را تکفیر می‌کرد. (بخاری، ۶/ ۲۵۵، سجستانی، ۱۹ - ۲۰، ابن‌اثیر، الکامل، ۳/ ۵۵، به نقل از: معرفت ۱/ ۳۳۸؛ زرقانی، ۱/ ۲۵۹ - ۲۶۰).

آنچه که از این گزارشها در توحید مصاحف گفته شده، بیانگر اختلافاتی است که به تکفیر انجامید و تکفیر نمی‌تواند علتش صرفاً اختلاف در قرائت باشد. زیرا با تعریفی که از قراءات آورده‌اند، قرائت، ادای حروف و کلمات به وجهی از وجوه آنست و یا قرائت ادای وجهی از وجوه احتمالی نصّ قرآن است که درباره آن لازم است کمی توضیح دهیم.

قرائت به چه معناست؟

برای روشن نمودن این سؤال اساسی باید دانست که تلقی و فهم از قرائت در زمان عثمان چه بوده است. و آیا اینک نیز همان تلقی و فهم از قرائت در بین مسلمین موجود است یا تلقی جدیدی از آن دارند؟

این نوع از مباحث عمدتاً در حیطه بحث در "تحول مفاهیم و معانی الفاظ" در طول تاریخ می‌گنجد. الفاظ هر یک دارای بار معنایی خاص و گاه متنوع‌اند. گاهی مفاهیم در باره بعضی از الفاظ ثابت نمی‌مانند یعنی مفاهیم و معانی دستخوش تعمیق و تدقیق قرار گرفته و توسعه می‌یابند و گاه معانی جدیدی ساخته و پرداخته شده و الفاظ متناسب آن استخدام می‌گردد. به هر روی واژه "قرائت" جدای از این نوع واژگان نیست. قرائت خود به مفهوم عام آن با مفهوم خاص آن نیز دچار تحول و تغییر گشته است. و مراحل راطی نموده و اینک در معنای جدیدتر و بهتر بگوئیم منقح‌تر خود بکار گرفته می‌شود، لذا باید علاوه بر معنای مصطلح قرائت قرآن تلقی از قرائت در آن زمان را نیز بدانیم.

معنی قرائت مصطلح

قرائت به معنای اصطلاحی آن عبارت از کیفیت "ادای کلمات به وجهی از وجوه نصّ قرآن است چنانکه گفته‌اند: "قرائت یعنی خواندن وجهی از وجوه احتمالی نصّ قرآن". (معرفت، ۲/ ۴).

"فالقراءات، علمٌ بکیفیه اداء کلمات القرآن و اختلافها بَعْرُو نَاقِلِهِ. حَرَجَ النِّحْوِ وَاللُّغَةُ وَالتَّفْسِيرُ و ما اشبه ذلك". (موسی، ۲/ ۳۰۵) قراءات علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و علم به اختلاف قراءات منسوب به قاریانی است که آن قرائت به نام آنها مشهور است. از این تعریف نحو و لغت و تفسیر و امثال آن خارج می‌شود.

"والمقرئ العالم بها من رواها مشافهة، فلو حفظ التيسير مثلاً، ليس له أن يقرى بما فيه ان لم يشافهه مَنْ شَوْفَهُ به مسلسلاً، لأن في القراءات أشياء لاتحكم إلا بالسمع والمشافهة" (همانجا).

و مقری به کسی گفته می‌شود که عالم به قرائت کسی است که وی آن قرائت را مشافهتاً روایت کرده باشد. فی‌المثل اگر کسی کتاب التیسیر دانی را حفظ کرده باشد در صورتیکه قرائت را از کسی - که او نیز آن را مشافهتاً و بطور مسلسل از دیگری گرفته است - نگرفته باشد، در این صورت نمی‌تواند دیگری را اِقرأء کند.

با توجه به آنچه ذکر شد درمی‌یابیم اولاً قرائت با "کیفیت ادای کلمه" سروکار دارد نه با اصل لغت و لفظ کلمه، و ثانیاً علم قراآت، علم به روایات منقول در کیفیت این ادا به صورت مشافهه است.

با این بیان نمی‌توان قرائت کلمه‌ای به جای کلمه‌ای دیگر را، وجهی از "کیفیت ادای کلمه" دانست زیرا این امر قرائت لفظ نبوده بلکه تغییر و تبدیل و جایگزین نمودن کلمه‌ای به جای کلمه دیگر است.

همچنین زیاده و نقص، مانند وجود کلمه‌ای و یا حذف آن از متن آیه نقشی در قرائت ندارد. همچنین جابجا نمودن کلمه‌ای از موضع خویش در آیه و یا به تقدیم و تأخیر آوردن آن نیز بدین سان است.

با این بیان در می‌یابیم که قرائت فقط نحوه ادای شفاهی یک کلمه را دربرمی‌گیرد، و لذا با این تعریف ادای کلمات با لهجه‌ای از لهجات عرب و یا غیر عرب در تلاوت قرآن را می‌توان جزء قرائت "محسوب نمود که خود می‌تواند به صحیح و سقیم نیز تقسیم شود. دقت در روایات ذکر شده در باب قرائت قرآن، ما را بیش از پیش به معنا و مفهوم قرائت در عصر نزول و شروطی که بر آن مترتب است آگاه می‌سازد.

"روی البخاری عن "قتاده" قال: سألت انساً عن قراءة رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم فقال: كان يمدُّ مَدًّا إِذَا قَرَأَ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَمُدُّ بِسْمِ اللّهِ وَ يَمُدُّ بِالرَّحْمَنِ وَ يَمُدُّ بِالرَّحِيمِ" (موسی، ۲ / ۲۹۱ - ۲۹۸).

بخاری از قتاده روایت می‌کند که گفت: از انس در باره نحوه قرائت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم وی گفت: حضرت هنگامی که بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را می‌خواندند آن را به مدّ تلاوت می‌کردند و "بسم‌الله" و "الرحمن" و "الرحیم" را

می‌کشیدند .

" و روی الترمذی عن أم سلمة قالت : كان رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم يقطع قراءته يقول : الحمد لله رب العالمين ثم يقف ، الرحمن الرحيم ثم يقف ، و كان يقرأ مالك يوم الدين ، قال : حديث غريب واخرجه ابو داود بنحوه . (همانجا) .

و ترمذی از امّ سلمه روایت می‌کند که گفت : رسول خدا (ص) در هنگام قرائت آیات وقف می‌کردند ، می‌فرمودند : الحمد لله رب العالمين ، سپس وقف نموده الرحمن الرحيم را تلاوت می‌کردند و دوباره وقف می‌کردند و مالك يوم الدين را می‌خواندند . ترمذی این حدیث را غریب دانسته است و ابوداود نیز مثل این حدیث را آورده است .

ذکر الامام الحافظ ابوالحسن رزین و ابو عبدالله الترمذی الحکیم فی نوادر الاصول من حدیث حدیثه : ان رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم قال : " اقرؤوا القرآن بلحون^(۱) العرب و اصواتها و اياکم و لحون اهل الفسق ... (موسی ، ۲ / ۲۹۸ ؛ سخاوی ، ۱ / ۲۷۳) .

امام حافظ ... در نوادر الاصول - [بخشی] از حدیث حدیثه را ذکر کرده : که رسول خدا (ص) فرمود : قرآن را به الحان عرب و صداهای ایشان بخوانید و از الحان اهل فسق بپرهیزید .

دقت در اینگونه روایات در مورد قرائت بیانگر این حقیقت است که قرائت نحوه‌ادای کلمات به وجهی از وجوه احتمالی نص است که به نحوه ادای درست آن نیز در روایات مذکور اشاره شده است .

با این تعریف از قرائت باید بگوئیم ، علت اساسی " توحید مصاحف " در عهد عثمان برخلاف قول مشهور اختلاف قرائت نبوده است ، بلکه علت اساسی همان الفاظ و کلمات و حروف غیر قرآنی بوده که به قرآن راه یافته و برخی آن را در زمرة کلام خدا قرار داده و به اشتباه قرائت می‌کرده‌اند . ما برای اثبات این امر به دلایل و شواهد فراوانی برمی‌خوریم که ذکر پاره‌ای از آنها در این بحث ضروری به نظر می‌رسد :

۱. عمده علل اساسی " توحید مصاحف " در اموری است که قبلاً ذکر آن رفت و ما

۱- اللحن : جمع لحن و هوالتطريب و ترجيع الصوت و تحسينه بالقراءة والشعر والغناء : لحن جمع لحن است و آن تطريب و ترجيع (گرداندن) صدا و زیبا ساختن آن با خواندن و شعر و غناست .

ذیل اختلاف در ضبط حروف و کلمات قرآنی، اختلاف در تقدیم و تأخیر آیه، از آن یاد کردیم، این علل باختصار عبارتند از:

- اختلاف در ضبط حروف؛

- اختلاف در ضبط کلمات؛

- زیادت حرف و یا حرفی در متن آیه؛

- نگارش نادرست کلمه‌ای در آیه؛

- تغییر کامل لفظ در آیه و جایگزین نمودن کلمه‌ای دیگر که گاه مترادف و هم معنا و گاه بیگانه بوده‌اند؛

- اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمه در آیه.

می‌دانیم این عوامل از عمده عوامل اختلاف است و نسبت به عوامل دیگر زمینه بیشتری برای تکفیر و تخطئه قاریان نسبت به یکدیگر دارد. زیرا، "اختلاف لهجه"، "ابتدائی بودن خط" و "احیاناً" روایات مختلف در قراءت آت، عواملی نبود که در بوجود آوردن اختلاف به درجه عوامل مذکور برسد.

۲. اگر ما عواملی همچون ابتدایی بودن و عدم تکامل خط را علت اختلاف قراءت در زمان عثمان بدانیم قطعاً این اختلاف با نگارش "مصحف واحد" نیز در موارد بسیاری ادامه می‌یافت. لذا "توحید مصاحف" بدلیل اختلاف قراءت ناشی از بدایت خط، وجهی نداشت.

و می‌دانیم علیرغم "توحید مصاحف" اینگونه اختلاف قرائتها - کماکان ادامه یافت و "توحید مصاحف" نتوانست به این نوع اختلاف قرائت پایان دهد.

۳. می‌دانیم اختلاف ناشی از لهجه، و اختلاف ناشی از شکل نوشتار، پس از توحید مصاحف توسط عثمان، کماکان می‌توانسته موجب اختلاف در قرائت باشد، زیرا مصاحف عثمان بدون اعراب و نقطه و شکل نگاشته شد و تا اواخر قرن اول نیز رسم الخط به همان منوال بود، لذا کیفیت اداء کلمات و الفاظ - که عموماً با راهنمایی شکل و نقطه و ... صحیحتر صورت می‌پذیرد - در آن زمان با اتکاء به حفظ و بالاخص روایت و نقل بوده است و نه کتابت. بنابراین، آن اختلافی که پس از "توحید مصاحف" دیگر ادامه نمی‌یابد و منجر به تکفیر یکدیگر نمی‌گردد، اختلاف در جوهر لفظ و تغییر و جایگزینی لفظ غیر قرآنی به جای لفظ قرآنی بوده است که راه را برای تحریف قرآن بازمی‌نمود،

ولذا بیش از سایر موارد موجبات اختلاف را فراهم آورده بود .
به عقیده ما ، علت اساسی توحید مصاحف را باید در همین امر جستجو کرد ،
مسئلاً در تعریف مصطلح قرائت ، به خواندن الفاظ غیر قرآنی به جای قرآن ، قرائت
نمی‌گویند ، بلکه اگر قرائت را "ادای حروف و کلمات به وجهی از وجوه" ، جوهر لفظ را
دچار تغییر ننماید ، بلکه " وجهی از وجوه نصّ " قرآنی باشد ، بدانیم ، عامل ذکر شده یعنی
" اختلاف قرائت " نمی‌تواند علت اصلی توحید مصاحف باشد . بلکه علت ، " خطری بوده
که از ناحیه ورود و خلط عناصر غیر قرآنی با قرآن ، آن را تهدید می‌کرده و احتمال
تحریف را به دنبال داشته است .

بنابراین علت اساسی توحید مصاحف در عصر عثمان نه اختلاف در قرائت به
مفهوم مصطلح - که بعد از آن نیز ادامه پیدا کرد و قراء سبعة و عشرة و اربعة عشر از آن میان
مشهور گشتند - بلکه " تحریف الفاظ " قرآن و وارد آوردن " زیادات " و یا " حذف بعضی
از حروف " و " یا " تغییر و جابه جایی کلمات در آیه " و " ورود تفسیر و شرح لغت در متن
قرآن " و " استفاده از الفاظ مترادف " و غیره ، بوده است که خود نوعی تحریف است .
ولی از آنجا که خداوند کریم خود وعده حفظ قرآن را از تحریف داده و فرموده " نحن
نزلنا الذکر واناله لحافظون " ، (حجر / ۹) این امر را با نظارت عالیه و مراقبت علی بن ابی
طالب علیه السلام و همکاری های صحابه ای چون ابی بن کعب به انجام رساند .

منابع :

زرقانی ، محمد عبدالعظیم ، مناهل العرفان فی علوم القرآن ، قاهره ، دار احیاء الکتب العربیه ،
الزركشي ، بدرالدین محمد بن عبدالله ، البرهان فی علوم القرآن ، بیروت ، دارالکتب العلمیه ،
۱۴۰۸ هـ .ق .

زمخشری ، محمود بن عمر ، الکشاف ، بیروت ، دارالکتب العربی ۱۴۰۷ هـ .ق .

زنجانی ، ابو عبدالله ، تاریخ القرآن ، بیروت ، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات ، ۱۳۸۸ هـ .ق .

السخاوی ، ابو الحسن علی بن محمد ، جمال القراء و کمال الإقراء ، بیروت ، دارالبلاغه ، ۱۴۱۳ هـ .ق .

سیوطی ، عبدالرحمن ، الاتقان فی علوم القرآن

طبرسی ، ابوعلی فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ،

۱۳۷۹ هـ .ق .

طوسى ، ابو جعفر محمد بن حسن ، التبيان فى تفسير القرآن ، بيروت ، دار احياء التراث العربى
معرفت ، محمد هادى ، التمهيد فى علوم القرآن ، قم ، مؤسسه نشر اسلامى جامعه مدرسين ، ١٤١٢ هـ .
موسى ، كامل و على دحروج ، التبيان فى علوم القرآن ، بيروت ، دار بيروت المحروسة للطباعة والنشر .